



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گزارش صبا از پشت صحنه ضبط برنامه «جبهه»:

ناگفته‌های جنگ از زبان قهرمانان روی اسکله

که روایت‌های خوبی برای مخاطب آماده کنیم، حرف‌های ارزشمند بزنیم و فضای مناسبی را برای انتقال این پیام‌ها فراهم کنیم. اما بخش دیگری از این مسیر، دست ما نیست.

او درباره ضبط امروز که مرتبط با فضای شب قدر است، توضیح داد: رزق امشب تا این لحظه، ما را به روایت‌هایی رسانده که گویی خودشان راهشان را پیدا کرده‌اند؛ روایت‌هایی از شهدایی که فرقتشان شکافته شد، از مردمی در غزه که با قرآن زندگی می‌کنند و حالا، در همین لحظه که ما قرآن را بر سر گرفته‌ایم، نباید فراموش کنیم که قرآن برای زندگی کردن است، نه فقط برای قرائت.

مدرس زاده از دل‌تنگی‌هایش برای این برنامه گفت: این لحظات، خیلی زود در حال تمام شدن هستند. دل‌تنگی کم کم سراغمان آمده، درست مانند آخرین روزهای ماه رمضان که شتابان می‌گذرند. حالا که روزهای سخت جبهه و روزهایی با ضبط‌های طولانی و اتفاقات دشوار سپری شده، دغدغه و نگرانی مان این است که وقتی دل‌تنگ این فضا شدیم، چه باید بکنیم؟

واقعیت این است، در جایی ایستاده‌ایم که قهرمانان واقعی قدم گذاشته‌اند. اینجا، روی اسکله جبهه، آدم‌هایی می‌آیند و از سختی‌هایی سخن می‌گویند که برای قهرمان شدن، آن‌ها را پشت سر گذاشته‌اند. وقتی روایت‌هایشان را می‌شنویم، دیگر ۱۲ ساعت ایستادن و برنامه اجرا کردن، به چشمان نمی‌آید.

ضبط بخش بعدی مربوط به مادر شهید عباس آبیاری است. همان شهیدی که به یوسف مدافعان حرم معروف است. مادرش روی اسکله ظاهر می‌شود تا از زیبایی سیرت فرزندش بگوید. قصه این مادر شهید به جایی رسید که گفت «برای اینکه عباسم به آرزویش برسد سفره حضرت رقیه نذر کردم. دشمن برای سر و دست عباسم جایزه گذاشته بود تا ۲۱ ماه رمضان عباسم به آرزویش یعنی شهادت رسید». کارگردان کات می‌دهد. بچه‌های پشت صحنه یکی یکی برای نماز و افطار از اتاق خارج می‌شوند. روی میز یکی از بچه‌هایی که اتاق فرمان را ترک کرد کتابی آبی رنگ به چشمم می‌خورد با عنوان «نذر آب؛ روایت زندگی شهید مدافع حرم، عباس آبیاری».

روی اسکله برود و یکی از روایت‌های دفاع مقدس خود را باز گو کند. دلبریان با عکسی که در دست دارد روی اسکله برنامه می‌رود. برای ادامه روایت باید به اتاق فرمان می‌رفتیم تا صدای واضحی از راوی بشنویم. دلبریان بخشی از خاطرات خود از شهدای غواص و عملیات کربلای ۴ را می‌گوید.

قصه دلبریان به شب عملیات کربلای ۴ و لورفتن عملیات رسیده. همان جایی که دشمن، غواصان را با تیرهایی که هواپیما را می‌زند، می‌زند. دشمن سطح آب را هدف قرار می‌دهد و سر شهدا مورد اصابت قرار می‌گیرد. درست در ضبط برنامه شب نوزدهم ماه رمضان از شهدایی گفته می‌شود که سرشان همانند مولایشان شکافته و شهید شدند. زمان استراحت میان ضبط رسید. با مریم تجلایی هم کلام شدم. او گفت: من به شب‌های احیا اعتقاد قلبی عمیقی دارم. همیشه این شب‌ها برایم خاص بوده‌اند. چند روز پیش از من سوال شد که چرا به جبهه آمدم و چه انگیزه‌ای داشتم. پاسخ این بود که باور دارم در شب‌های قدر، سرنوشت یک سال ما رقم می‌خورد. احساس می‌کنم رزق و روزی امسال حضور در جبهه بود، همان طور که سال گذشته، توفیق پیاده‌روی اربعین را داشتم.

او ادامه داد: امسال، چهلمین سالگرد شهادت پدرم است. همیشه آرزو داشتم در سالگرد او، کار خاصی انجام دهم و حس می‌کنم این مسئولیت، امسال بر دوشم گذاشته شده است. دعا می‌کنم که شب‌های قدر، برای همه مردم ایران، بهترین‌ها را رقم بزنند. تجلایی در ادامه گفت: در این برنامه موضوعاتی که مطرح می‌شوند، حتی اگر تکراری باشند، چنان سوزناک‌اند که هر بار، داغ غربت شهید را تازه می‌کنند. برخی روایت‌ها آن قدر جدید و تأثیرگذارند که احساس می‌کنم رزق معنوی من همین برنامه است. برنامه‌ای که فوق‌العاده است و من روایت‌های آن را دوست دارم. درست است که مردم فقط بخش‌هایی از آن را روی آنتن تلویزیون می‌بینند، اما ما اینجا ساعت‌ها درگیر این روایت‌ها هستیم.

کمی آن طرف‌تر، صالح مدرس زاده، مجری برنامه ایستاده است. او گفت: بخشی از روایت برنامه در دستان ماست و ما تلاش می‌کنیم

وارد لوکیشن ضبط برنامه «جبهه»؛ که می‌شوم استراحت بین دو ضبط است و کودکان همراه تماشاگران بیرون محوطه در حال فوتبال بازی کردن هستند. برخی از تماشاگران هم سر جاهایشان نشسته‌اند و برخی دیگر در محوطه بیرون سوله قدم می‌زنند یا استراحت می‌کنند. برای تداعی شدن فضای جبهه، لوکیشن از تپه‌ای گلی درست شده که کنار آن چند درخت نخل قرار داد شده و در نهایت به اسکه‌ای ختم می‌شود که یادآور آرون‌رود است؛ همان اسکه‌ای که مهمانان برنامه روی آن می‌ایستند و روایت خود را نقل می‌کنند. هنوز استراحت میان دو ضبط ادامه دارد؛ یکی دو فیلمبردار با دوربین‌هایشان مشغول هستند. بچه‌های دکور و صحنه نیز فضا را با شمع، کتیبه‌های سیاه و فانوس‌های نیمه روشن برای پخش برنامه «جبهه» در شب‌های احیا آماده می‌کنند. ضبط امروز قرار است هم‌زمان با شب‌های احیا پخش شود. یکی از بچه‌های نور و دکور بالای نردبان نورهای قرمزی که به نخل‌های دکور می‌تابد را تنظیم می‌کند؛ نورهای قرمز حال و هوای شب‌های قدر را تداعی می‌کند. سعید ابوطالب، مستندساز دفاع مقدس و یکی از میزبانان برنامه زودتر از بقیه میزبانان سر جای خودش حاضر شده و بچه‌های گریم موهایش را درست می‌کنند.

تماشاگران یکی یکی بر سر جاها خود آمده‌اند؛ همه یک دست مشکی پوشیده‌اند و جایگاه تماشاگران یک دست مشکی شده است. مدیر صحنه چند بار در بلندگوی خود اعلام می‌کند که همه سر جاها خود باشند.

حسین برکتی، سردبیر برنامه با ابوطالب حرف می‌زند. در همین حین بچه‌های گریم و لباس شالی که دور گردن علیرضا دلبریان، از میزبانان بود را مرتب می‌کنند. علی خلیلی، از فعالان رسانه فلسطینی تبار و دیگر میزبان برنامه، موهای مجعد خود را بالا می‌برد تا سیم میکروفون را برایش راحت‌تر عبور دهند. مریم تجلایی، فرزند شهید علی تجلایی نیز دیگر میزبان برنامه است.

سردبیر می‌گوید قرار است برای ضبط امشب حرکتی نوآورانه داشته باشیم؛ قرار است علیرضا دلبریان که خود راوی جنگ است

پسر مرگ

برگزیده بهترین فیلم از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر

کارگردان: علی غفاری . تهیه‌کننده: آرش زینالی خیری
مهدی نصرتی . نماز ملک . حسام منظور . سانا سعیدی

روایت یک مأموریت غیرممکن

